

شناسایی ابعاد تحول در علوم انسانی با تأکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی

فرهاد عبدالحی^۱، شهرام رنجدوست^{۲*}، بهبود یاریقلی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۵

پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴

چکیده

مقدمه: تحول در علوم انسانی با تأکید بر برنامه درسی می‌تواند نقش مهمی در گرایش به این رشته تحصیلی داشته باشد. هدف این پژوهش، شناسایی ابعاد تحول در علوم انسانی با تأکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی بود.

روش کار: روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی از نوع عرفی بود. اطلاع رسانی‌های پژوهش حاضر متخصصان حوزه علوم تربیتی در رشته‌های برنامه ریزی درسی، مدیریت آموزشی و فلسفه تعلیم و تربیت که بعنوان عضو هیات علمی، در نظام آموزش عالی بودند، به روش نمونه گیری هدفمند (ملاک محور) تعداد ۱۵ نفر انتخاب شدند و در نتیجه یافته‌های مصاحبه به حد اشباع رسید. ابزار گردآوری داده‌ها در این مرحله مصاحبه نیمه ساختارمند بوده است و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون ۶ مرحله‌ای کلاسرک و براون مختصات آن به دست آمد.

نتایج: پس از انجام مصاحبه‌ها و بررسی مضامین آنها، ۱۶ مضامین فراگیر و ۴۴ مضامین سازمان دهنده شناسایی شد. ۱- اولین مضمون تکنولوژی آموزشی (نرم افزاری، سخت افزاری)، ۲- نیاز سنجی (شناخت نیازها، قابلیت اجرایی)، ۳- انعطاف پذیری (انطباق شرایط و موقعیت، تفکر مداوم یا پیوسته)، ۴- تجهیزات و امکانات (تجهیزات فیزیکی و تجهیزات دانشی)، ۵- ویژگی‌های فراگیران (ویژگی‌های فردی و توسعه شخصیتی)، ۶- ویژگی‌های مدرسان (مدیریت کلامی، شایستگی محوری)؛ ۷- ویژگی‌های محتوا (جامعیت، کیفیت و تنوع)، ۸- روش‌ها و شیوه‌های آموزشی (اثربخشی، نوآوری و تناسب)، ۹- طرح‌های آموزشی (استانداردها، انعطاف پذیری و کاربردی)، ۱۰- ارزشیابی و کنترل (دریافت بازخورد، ارزشیابی، اجرایی بودن و توزیع اطلاعات)، ۱۱- خلاقیت و نوآوری (تفکر انتقادی، ریسک پذیری و تنوع گرایی)، ۱۲- ماموریت (اهداف بلند مدت، اهداف کوتاه مدت، آینده نگری)، ۱۳- مشارکت فعال، مهارت نرم و ایجاد انگیزه، ۱۴- پژوهش و تحقیق (سمینار و همایش، تعامل بین محقق و جامعه)، ۱۵- حمایت و پشتیبانی (حمایت مالی، اجتماعی، ساختاری، زمانی) و در نهایت نیز آخرین مضمون یعنی ۱۶- اسناد بالادستی (قوانین موجود، معیارهای مورد نظر برنامه درسی ملی و مضامین اخلاقی) بودند.

نتیجه‌گیری: مولفه‌های شناسایی شده می‌تواند به عنوان چهارچوبی برای ایجاد برنامه درسی مشترک در زمینه خلاقیت و همکاری در آموزش عالی، همچنین ارزش آفرینی مشترک در محیط‌های آموزشی همسو با موج تحولات اساسی در برنامه‌های درسی علوم انسانی در آموزش عالی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: شناسایی، تحول، علوم انسانی، برنامه درسی، آموزش عالی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

۲. دانشیار گروه برنامه ریزی درسی، واحد مرند، دانشگاه آزاد اسلامی، مرند، ایران.

* نویسنده مسئول: Dr.Ranjdoust@gmail.com

۴. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران.

مقدمه

تحول در هر یک از ابعاد زندگی انسان، نیاز به برنامه ای راهبردی دارد تا بتواند علاوه بر ایستادگی و مدیریت چالشها، منجر به ایجاد تحولاتی مانند مقاومت انسانی به صورت برنامه ریزی شده و اجزای مختلف جامعه را نیز برای تحقق اهداف تعیین شده با خود همراه نماید (رایت ۱ و همکاران، ۲۰۲۲). تحول در علوم، خصوصاً در علوم انسانی که نقش بسزایی در شکل گیری معرفت بشری ایفا می کنند از اهمیت و پیچیدگی فراوانی برخوردار است؛ به عبارت دیگر با وجود نقش تاریخی علوم تجربی و طبیعی در شکل گیری رفتارهای انسانی، علوم انسانی به دلیل تأثیرگذاری در محتوا و روش پرداختن به هستی و نیز نقش مؤثر در اولویت دهی پژوهشی و سیاست گذاری علمی، تأثیرات مستقیمی بر جنبه های عملی زندگی انسان امروزی دارد؛ پس باید توجه داشت که هرگونه برنامه ریزی در این زمینه نیاز به برنامه ای کلان و راهبردی در عرصه سیاست گذاری ملی دارد (امین خندقی و جامه بزرگ، ۱۳۹۲). بطور کلی می توان گفت که ایجاد تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی سطوح بالایی از مشارکت دانشجویان و اساتید را ارتقا می دهد، ابتکاراتی مانند ایجاد مشترک برنامه درسی و مشارکت دانشجویان و کارکنان در یادگیری و تدریس توسط برخی به عنوان روشی خاص برای کار در آموزش عالی در نظر گرفته می شود، با این حال این شیوه ها بسیار گسترده می شوند (بوویل ۲، ۲۰۲۰). جوهانسون و فلتن (۲۰۱۴) خاطرنشان کردند که بسیاری از تجربیات در دانشگاه، تجربیات شکل دهنده ای را برای دانشجویان فراهم می کنند، اما برای تحول آفرین بودن، این تجربیات باید بیش از تغییرات سطحی که طولانی مدت هستند ثابت شود. علاوه بر این، دانشگاه ها نباید بر تغییر باورها یا هویت های خاص تمرکز کنند، بلکه باید بر توسعه عاملیت، ظرفیت ها و اعتماد دانشجویان برای کمک به جامعه گسترده تر تمرکز کنند (مور-چری، ۲۰۱۹). آموزش عالی یکی از زیر ساخت های نظام آموزشی هر کشور است که وظیفه آن تربیت نیروی انسانی متخصص در حوزه های مختلف، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی در حوزه های متنوع علم و فناوری جامعه است. نظام آموزش عالی هر کشور یکی از عوامل مؤثر در تحقق سیاست های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن به شمار می رود. تأمین و تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآزموده به عنوان اساس توسعه همه جانبه کشورها، تولید دانش و دانش پژوهی و انجام تحقیقات بنیادی، توسعه ای و کاربردی توسط دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی صورت می گیرد (حیدری، ۱۳۹۸). برنامه های درسی در آموزش عالی یکی از زیر نظام هایی است که نقش اساسی در متحول شدن آموزش عالی و جامعه

۱. Wright et al

۲. Bovill and Woolmer Citation

دارد. زیرا آموزش عالی از طریق برنامه‌های درسی مصوب در تلاش است به اهداف مطلوب دست یابد. بنابراین برنامه های درسی به عنوان مهم ترین درونداد و قلب تپنده آموزش عالی اهمیت خاصی دارد و یکی از عناصر مهم و عوامل تاثیرگذار در تعیین موفقیت و شکست نظام‌های آموزش عالی محسوب می‌شوند (بارنت و کوآت، ۲۰۱۹).

مهم ترین رسالت علوم انسانی، خط مشی گذاری کلان در جامعه است و خط مشی گذاری درباره علوم انسانی یعنی خط مشی گذاری تمدن و کشور است. به همین دلیل علوم انسانی دارای بعدی بنیادی یعنی توجه به بعد امنیت و منافع ملی هر کشور است. خط مشی گذاری در این حوزه راهبردی در هر کشوری باید در اولویت برنامه های ملی قرار گیرد (پیری و ادیب، ۱۳۹۷). برنامه های درسی نقطه ی کانونی نظام تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش می باشد و تحولات بطور مستقیم بر آنها و بالطبع بر برنامه های درسی تأثیر گذار است. تحول در برنامه ریزی درسی از دیرباز ذهن کارشناسان آموزشی را در سطوح مختلف به خود مشغول نموده است. از یک طرف سرعت شگفت انگیز تحولات علمی و فن آوری و از سوی دیگر توجه به تنوع فرهنگی سبب گردیده تا جوامع دست به بازنگری و اصلاح برنامه های درسی بزنند. تحول اساسی و پایدار در هر جامعه در گرو متحول شدن نظام تعلیم تربیت آن جامعه است. بر این اساس برنامه‌های درسی که قلب مراکز آموزش و پرورش به شمار می‌آیند آیینه نقش‌ها و اهداف آموزش و شایسته توجه دقیق هستند (آلتباخ، ۲۰۱۴). با این اوصاف تاثیر نقش برنامه های درسی مطلوب و جامع درباره شناسایی ابعاد و مولفه های تحول در علوم انسانی دو چندان می شود به بیان روشن تر کمبود برنامه های درسی کافی و مناسب و نبود الگویی مطلوب، یکی از عواملی است که منجر به ایجاد مسائل گوناگون در علوم انسانی می شود (الهامیان و دیگران، ۱۳۹۷). برای شناسایی ابعاد و مولفه های تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی در آموزش عالی در این زمینه، درباره عناصر یا اجزای برنامه درسی میان صاحب نظران برنامه ریزی اتفاق و اجماع وجود ندارد و دامنه وسیعی را از یک تا یازده عنصر را در بر می گیرد. با توجه به اینکه الگوهای مختلفی مانند الگوی عناصر چهارگانه تایلر، الگوی عناصر پنجگانه آیزنر، الگوی عناصر نه گانه فرانسیس کلاین و الگوی عناصر دهگانه اکر و غیره که شناخته شده ترین الگوهای برنامه درسی است. براین اساس شناسایی چارچوب و مولفه های نوین و بهینه تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی احساس می شود، و با توجه به نبود موضوع تحقیقی مشابه در ارتباط با عنوان حاضر بنابر این پژوهش پیرامون آنها بسیار ضروری جلوه می نماید. از این رو پژوهش حاضر قصد دارد ضمن بررسی و

۱. Barnett & Quat

۲. Altbach

شناسایی ابعاد مختلف تحول و با استفاده از عناصر برنامه درسی موجود و همچنین با استفاده از نتایج مستخرج از مصاحبه با متخصصان حوزه مطالعات برنامه درسی و علوم تربیتی و سایر رشته های علوم انسانی و با مشورت از خبرگان و سایر متخصصان به شناسایی ابعاد و مولفه های پیشنهادی مربوط به تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی را مطرح نماید. بنابر این در این راستا، تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این سوال اساسی است که چگونه می توان مختصات و ویژگی های ابعاد تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی را شناسایی کرد؟ زرین و یادگارزاده (۱۴۰۱) "در تحقیقی که با عنوان شناسایی ویژگی ها و مولفه های برنامه درسی آموزش عالی در عصر انقلاب صنعتی" پرداختند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد بر اساس یافته های پژوهش، آموزش عالی، بازطراحی برنامه های درسی، فناوری محوری، مهارت پروری، آموزش استم به سوی استیم، برنامه درسی جهانی با رویکرد بومی گرایی، یادگیری مادام العمر، رویکرد میان رشته ای، تربیت منابع انسانی شایسته، پیوند برنامه درسی و صنعت، شخصی سازی برنامه درسی و آموزش نوآورانه ویژگی ها و مولفه های برنامه درسی آموزش عالی در عصر انقلاب صنعتی چهارم می باشند. با توجه به نتایج این پژوهش به طور کلی می توان بیان نمود که برنامه های درسی در عصر انقلاب صنعتی چهارم نیازمند بازطراحی، بازنگری و ارزشیابی مداوم است. شاه آبادی و پورعزت (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان "کاربست رویکرد میان رشته ای در مسئله ی تحول در علوم انسانی" به این نتیجه رسیدند که پس از پیروزی انقلاب در ایران، مسئله ی تحول در علوم انسانی از یک مسئله نظری صرف، به دستور کاری، برای دولت ها تبدیل شد، اما مشکلات نظری و گرایش های گوناگون سیاسی، ثبات خط مشی گذاری را در این عرصه کاهش داد. حکومت می تواند نقش مهم و موثری را در این جریان ایفا کند مشروط بر آنکه با شناخت درست جایگاه هر رشته در زنجیره ترجمه تحول گرا، مجموعه خط مشی های ناظر به تخصیص منابع مالی، زمانی، انسانی و طراحی یا باز تعریف ساختارها را متناسب با وضعیت هر رشته باز تعریف نماید. آذربایجانی و کاظمینی، (۱۳۹۴) در مقاله ای تحت عنوان "درآمدی بر نظریه مدیریت تحول در علوم انسانی" با رویکردی قیاسی-استقرایی، چارچوب کالن و عناصر کلیدی و موثر در تحول علوم انسانی را احصاء و چگونگی تاثیر آنها بر یکدیگر را در راستای تحول علوم انسانی بررسی می نماید. نتایج بدست آمده نشان داد عوامل موثر در تحول علم به سه بخش: عوامل معرفتی یا محتوایی، عوامل روان شناختی و عوامل جامعه شناختی تقسیم می شوند. عوامل جامعه شناختی به صورت مستقیم قابل مدیریت هستند و از طریق تاثیرگذاری بر عوامل روان شناختی تحول دانشمندان را بر تغییر محتوای علوم انسانی بر می انگیزانند. عوامل

روان‌شناختی شامل سه دسته عوامل شناختی، عاطفی و انگیزشی رفتاری تقسیم نموده‌اند. سورلین^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان «تحول علوم انسانی: از بحران و نقد به سوی علوم انسانی یکپارچه در حال ظهور» به بررسی تحول در علوم انسانی با رویکرد بررسی بحران و نقد علوم انسانی یکپارچه در حال ظهور پرداختند. آنان در این پژوهش بیان داشتند که تحول علوم انسانی شکل گرفته در دهه‌های گذشته با ارزش یافتن و پراهمیت گشتن ابزارهای مدیریت دانش در جهت کارکرد آسان آنها بوده که این ویژگی را می‌توان تصویری پرواضح از ارتقای کیفیت علوم انسانی و عملکرد آن در کشورهای شمال اروپا در عصر حاضر عنوان داشت. مارگینسون^۲ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "مجله بین‌المللی و توسعه آموزش" به این نتیجه رسید که سیستم آموزش عالی شرق آسیا به سرعت در حال بهبود در مقدار و کیفیت همراه با رشد و تحرک اجتماعی مطلق است، مشارکت در آموزش عالی در اکثر کشورها به سرعت در حال افزایش و در حال تبدیل شدن به اجتماعی فراگیر است با این حال رشد در شمول اجتماعی که موجب اجتماع بیشتر می‌شود افزایش می‌یابد. در بوتسوانا^۳ انجام دادند نتایج حاصل از تحقیق، نشان داد متغیرهای زیر یعنی برنامه درسی، الزامات شغلی، نقش توانمندسازی، تجربه کاری، سطح تحصیلات، پیش‌بینی‌کننده‌های مهم و موثر در برنامه درسی هستند و بنابراین باید بهینه شوند و همچنین نقش آنها در برنامه درسی از نظر جنسیت، سن، تاثیر مهمی در برنامه درسی و تغییر سطح تحصیلات ندارد. بنابراین در این راستا، پژوهش حاضر در صدد پاسخ به این سوال اساسی است که چگونه میتوان مولفه‌های ابعاد تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی شناسایی کرد؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ رویکردی، از نوع مطالعات کیفی است. در روش کیفی اطلاعات با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختارمند از متخصصان در حوزه برنامه ریزی درسی و خبرگان در حوزه علوم تربیتی جمع‌آوری شده است. در این پژوهش در مرحله نخست از رویکرد تحلیل محتوای عرفی و جهت تحلیل و استخراج مولفه‌ها از روش تحلیل مضمون ۶ مرحله‌ای براون و کلارک استفاده شده است. در این بخش ابتدا متون مربوط به علوم انسانی در اسناد بالا دستی، مصاحبه با متخصصان، و سایر منابع مربوطه مطالعه شد و تحلیل اولیه آغاز گردید و تحلیل تا آنجا ادامه یافت که پیش‌زمینه‌هایی برای ظهور رموزها آغاز شد. سپس رموزها براساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی شدند. بر این اساس می‌توان گفت با مشخص شدن واحد معنا یا همان عبارات و واژه‌های کلیدی، مرحله بعد که مقوله‌بندی (کد نهایی) است، اجرا شد. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی، از نوع هدفمند (ملاک مدار)

۱. Sörlin

۲. Marginson

بود. در این روش یک ملاک یا معیاری مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. بر این اساس از نظرات اساتید صاحب نظر در حوزه مطالعات برنامه درسی استفاده شده است که در روش حاضر ملاک انتخاب استفاده از اعضای هیات علمی دانشگاه‌های تبریز، شهید مدنی آذربایجان، ارومیه، دانشگاه فرهنگیان اردبیل، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دانشگاه خوارزمی تهران، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه شهید چمران اهواز، دانشگاه بوعلی سینا همدان، که دارای مرتبه علمی استادیار به بالا در رشته‌های برنامه‌ریزی درسی، فلسفه تعلیم و تربیت، مدیریت آموزشی بوده و یا دارای اثر پژوهشی در زمینه موضوع مورد نظر هستند، استفاده شده است. بر این اساس لیست اولیه از افراد متخصص و واجد شرایط در رشته و موضوع پژوهشی مربوطه تهیه و با نظر اساتید راهنما و مشاور انتخاب شدند. در این راستا از طریق پست الکترونیک و ملاقات حضوری با آنان برای انجام مصاحبه در وقت‌های تعیین شده هماهنگی‌های لازم انجام شد و مصاحبه‌ها تا زمانی ادامه پیدا کرد که احساس شد پاسخ‌های ارائه شده از طرف جامعه پژوهش مشابهت با پاسخ‌های قبلی داشته و نظرات چیزی به مصاحبه‌های قبلی اضافه نمی‌کنند و در حقیقت یافته‌های مصاحبه به حد اشباع^۱ رسیده است. داده‌های کیفی پژوهش از طریق فرآیند کدگذاری^۲، تحلیل شدند. کدگذاری نشان دهنده عملیاتی است که در آن داده‌ها خردشده، مفهوم پردازی می‌شوند و آنگاه با روش‌های تازه، دوباره به هم پیوند می‌خورند. کدگذاری فرآیند حساسی است که امکان رسیدن به نظریه را بر اساس داده‌ها فراهم می‌سازد (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). پژوهشگر در مرحله کدگذاری باز و با کدگذاری بر اساس سطر به سطر، تعدادی مفهوم اولیه را استخراج خواهد نمود که در مرحله اول تلاش بر این بوده است نکات کلیدی و مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان استخراج شود که محقق نهایت تلاش را کرده است، که پس از حذف موارد مشابه به تعدادی کد باز برسد. بررسی دقیق‌تر کدهای شناسایی شده مشخص کرد که بسیاری از کدها اگرچه با اصطلاحات و تعبیر مختلف بیان شده‌اند، اما دارای مفهوم یکسانی در تبیین موضوعات مورد پرسش و مصاحبه بودند. از این‌رو، این کدها تجمیع و ادغام شده و در نهایت تعدادی کد باقی مانده است. در ادامه، مفاهیم کدگذاری، کدهای پراکنده استخراج شده، جهت انسجام بیش‌تر و برای تولید مفاهیم اولیه، مرحله دوم کدگذاری انجام شد. مفاهیمی که در مرحله کدگذاری اولیه استخراج شدند، جهت تشکیل مقوله‌های عمده در مرحله کدگذاری متمرکز یا ثانویه، مجدداً مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها

مشخصات جمعیت‌شناختی پژوهش، مربوط به رشته، مدرک تحصیلی، مرتبه علمی، جنسیت، سابقه و سمت شغلی اطلاع‌رسان‌های پژوهش در جدول شماره ۱ نشان داده شده است:

^۱. Saturation

^۲. Coding

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی اطلاع رسان های پژوهش

ردیف	رشته تحصیلی	مدرک تحصیلی	مرتبه علمی	جنس	سابقه خدمت	سمت شغلی	کد
۱	برنامه ریزی درسی	دکتری	استاد	مرد	۲۲	هیات علمی دانشگاه	P1
۲	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	مرد	۲۰	هیات علمی دانشگاه	P2
۳	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۸	هیات علمی دانشگاه	P3
۴	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۷	هیات علمی دانشگاه	P4
۵	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۵	هیات علمی دانشگاه	P5
۶	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۵	هیات علمی دانشگاه	P6
۷	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	زن	۱۵	هیات علمی دانشگاه	P7
۸	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۴	هیات علمی دانشگاه	P8
۹	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۲	هیات علمی دانشگاه	P9
۱۰	برنامه ریزی درسی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۰	هیات علمی دانشگاه	P10
۱۱	برنامه ریزی درسی	دکتری	استادیار	زن	۱۰	هیات علمی دانشگاه	P11
۱۲	برنامه ریزی درسی	دکتری	استادیار	مرد	۷	هیات علمی دانشگاه	P12
۱۳	مدیریت آموزشی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۰	هیات علمی دانشگاه	P13
۱۴	مدیریت آموزشی	دکتری	دانشیار	مرد	۱۰	هیات علمی دانشگاه	P14
۱۵	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	دانشیار	مرد	۱۰	هیات علمی دانشگاه	P15

در این بخش تحلیل‌های حاصل از مصاحبه‌های اساتید صاحب نظر در حوزه برنامه درسی با مشاهده و بررسی فرآیند ساخت، با استفاده از روش تحلیل تم گردآوری شده و سپس تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش ۵ مرحله ای کلارک و براون الگوی آن به دست آمد. در ادامه شرح مختصری از ۶ مرحله به همراه تحلیل مصاحبه ها ارائه شده است:

مرحله اول) آشنایی با داده‌ها: در این بخش از پژوهش محقق تلاش داشته تا با عمق و گستره محتوایی داده‌ها آشنا شود. بنابراین بعد از انجام هر مصاحبه و ضبط گفتگوها متن مصاحبه‌ها پیاده و بازخوانی مکرر داده‌ها و مصاحبه ها بصورت فعال برای جست وجوی معانی و الگوها انجام شد.

مرحله دوم) ایجاد کدهای اولیه: در این مرحله بعد از خواندن مصاحبه‌ها و آشنایی دقیق با آنها کدهای اولیه از مصاحبه‌ها استخراج گردید. در این مرحله ۴۶۷ کد اولیه از مصاحبه‌ها حاصل شد.

مرحله سوم) جستجوی کدهای گزینشی: در این مرحله پژوهشگر در هنگام تحلیل داده‌ها و کدها، به دنبال ایجاد یک مضمون می‌باشد. این مرحله به دنبال این موضوع است که چگونه کدهای مختلف می‌توانند برای ایجاد یک مضمون ترکیب شوند. در این مرحله محقق کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری را کنار گذاشته است تا به این تعداد کد گزینشی دست یابد. در این بخش ۲۰۷ کد استخراجی تکرار شده، و بنابراین این کدها حذف و فقط کدهای متفاوت از هم باقی ماندند. در این مرحله ۲۶۰ کد گزینشی توسط محقق به دست آمده است.

مرحله چهارم) شکل‌گیری مضامین سازمان دهنده: محقق در این پژوهش ضمن ایجاد مجموعه‌ای از مضامین آنها را مورد بازبینی و بررسی مجدد قرار داد. این مرحله شامل دو مرحله بازبینی و تصفیه و شکل‌دهی به مضمون‌های سازمان دهنده است. مرحله اول شامل بازبینی در سطح خلاصه‌های کدگذاری شده است. در مرحله دوم اعتبار مضمون‌های سازمان دهنده در رابطه با مجموعه داده‌ها در نظر گرفته شد.

مرحله پنجم) تعریف و نام‌گذاری مضامین فراگیر: مرحله پنجم زمانی آغاز شد که یک تصویر رضایت‌بخش از مضامین وجود داشت. محقق در این مرحله، مضامین فراگیر را برای تحلیل ارائه کرده، تعریف نموده و مورد بازبینی مجدد قرار دادند، سپس داده‌ها را تحلیل کردند. با تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن‌چه که یک مضمون در مورد آن بحث می‌کند مشخص و تعیین شد که هر مضمون فراگیر کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد. در این مرحله محقق در نهایت پس از رفت و برگشت در میان مضامین سازمان دهنده به هفت مضمون فراگیر دست یافت، که در زمینه مورد نظر تحقیق قابل تبیین می‌باشد. درجدول شماره ۱ مضامین سازمان دهنده که مضامین فراگیر از آنها استخراج گردیده نشان داده شده است.

مرحله ششم) تعریف و نام‌گذاری مضامین فراگیر: مرحله پنجم زمانی آغاز شد که یک تصویر رضایت‌بخش از مضامین وجود داشت. محقق در این مرحله، مضامین فراگیر را برای تحلیل ارائه کرده، تعریف نموده و مورد بازبینی مجدد قرار دادند، سپس داده‌ها را تحلیل کردند. با تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن‌چه که یک مضمون در مورد آن بحث می‌کند مشخص و تعیین شد که هر مضمون فراگیر کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد. در این مرحله محقق در نهایت پس از رفت و برگشت در میان مضامین سازمان دهنده به هفت مضمون فراگیر دست یافت، که در زمینه مورد نظر تحقیق قابل تبیین می‌باشد. در ذیل مضامین سازمان دهنده که مضامین فراگیر از آنها استخراج شده آمده است:

جدول ۲: مضامین فراگیرسازمان دهنده حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضامین پایه
	نرم افزاری	✓ آشنایی با کامپوتر
		✓ استفاده از فناوری آموزشی
		✓ بهکارگیری فناوری آموزشی
		✓ تهیه فیلم‌های آموزشی
		✓ استفاده از فناوریها در آموزش

نیازسنجی	سخت افزار	آموزش ترکیبی	✓
		فناوری‌ها به روز	✓
		تجهیزات ICT	✓
		زیر ساخت های فناوری	✓
		کلاسها	✓
	شناخت نیازها	منابع مادی و سرمایه های مالی	✓
		مولتی مدیا	✓
		فیلم های آموزشی	✓
		شرایط و نیازمندی های جامعه	✓
		توجه به نیازها و ضرورت ها	✓
انعطاف پذیری	قابلیت اجرایی	توجه به مسائل جامعه	✓
		نیازهای یادگیرنده	✓
		نیازهای اجتماعی	✓
		نیازهای دانش	✓
		توجه به جامعه	✓
	انطباق شرایط و موقعیت	نیاز به عنوان یک عیب یا نقص	✓
		نیاز به عنوان امری که مورد بی توجهی واقع شده است	✓
		فاصله بین وضع موجود و وضع مطلوب	✓
		واقع بینی	✓
		بررسی شکاف موجود	✓
تجهیزات و امکانات	تجهیزات فیزیکی	وضعیت مطلوب و موجود	✓
		اجرایی شدن در عمل	✓
		همراهی و حمایت	✓
		کاربردی بودن الگو	✓
		انتقال مطلوب آموزش	✓
	تفکر مداوم یا پیوسته	بومی سازی	✓
		تجارب سایر کشورها	✓
		میزان تناسب دروس نظری عملی آزمایشگاهی کارگاهی	✓
		ترکیب فعالیت های آموزشی و فعالیتهای پژوهشی	✓
		پویایی لازم	✓
تجهیزات و امکانات	تجهیزات دانشی	تبیین مسائل روز	✓
		انعطاف پذیری دروس فراگیران	✓
		استفاده از نظریه ها و الگوهای موفق	✓
		توجه به تحولات محیطی	✓
		فضای آموزشی	✓
	ویژگی های فردی	تنوع فضای آموزشی	✓
		کفایت فضای آموزشی	✓
		ویژگی ها و شرایط خاص محیط و جذاب آموزشی	✓
		کلاس ها و فضای آموزشی	✓
		آزمایشگاه	✓
تجهیزات و امکانات	تجهیزات دانشی	مساحت فضای مفید آموزشی	✓
		وسایل کمک آموزشی	✓
		فیلم های آموزشی	✓
		ابزارهای کمک آموزشی	✓
		بهره مندی از متخصصان داخلی و خارجی	✓
	ویژگی های فردی	بر اساس نیازها و توان و رغبت	✓

ویژگی‌های مدرسان	✓	سطح مورد انتظار دانشجویان	
	✓	توجه به نیاز یادگیرنده	
	✓	فراهم کننده	
	✓	یادگیرنده محور	
	✓	زمینه برای رشد و کسب مهارت‌ها	
	✓	آماده سازی و پرورش متخصصان و پژوهشگران و متفکران آینده	
	✓	توسعه دانش و مهارت ها	
	✓	توسعه مهارت های ارتباطی	
	✓	توسعه مهارت‌های عملی و تخصصی	
	✓	نرخ گذر	
	✓	افت تحصیلی	
	✓	میانگین معدل و نمرات دانشجویان	
ویژگی‌های محتوا	✓	دانشجویان نمونه	
	✓	توجه به نیروهای انسانی	
	✓	ویژگی‌ها و رویکردها فعالیت های آموزشی استادان	
	✓	قدرت بیان	
	✓	تسلط بر مطلب درس	
	✓	رویکرد مشارکت محور	
	✓	متخصصان خارجی	
	✓	اشراف و تسلط	
	✓	تناسب و ارتباط	
	✓	ارتباط و تعامل	
	✓	قدرت رهبری و اداره کلاس	
	✓	نحوه برخورد اجتماعی	
ویژگی‌های محتوا	✓	به روز رسانی توانمندی‌ها	
	✓	شایستگی و تخصص	
	✓	استخدام و گزینش	
	✓	شایستگی ها و مهارت ها	
	✓	جذب افراد متخصص	
	✓	بازنگری در محتواهای آموزشی	
	✓	اجرای بهینه دوره‌های آموزشی	
	✓	محتواهای دوره های آموزشی	
	✓	انطباق دروس عملی و نظری	
	✓	متناسب با رویکرد توسعه پایدار	
	✓	توجه به تمامی عناصر برنامه درسی	
	ویژگی‌های محتوا	✓	متناسب با نیازهای جامعه
✓		متناسب با علایق آن فراگیران	
✓		کیفی نگر بودن	
✓		روزآمد بودن محتوا	
✓		کیفیت و اثربخشی آموزشی	
✓		متناسب با آخرین یافته‌های علمی	
✓		متناسب برنامه کلان آموزش عالی	
✓		متناسب با سیاست های کلان و آموزش عالی	
✓		روش‌های متنوع تدریس	
✓		روش های یاددهی و یادگیری	
ویژگی‌های محتوا		✓	تنوع
		✓	روش‌های متنوع تدریس
	✓	روش های یاددهی و یادگیری	

اثر بخشی	✓	فعالیت‌های آموزشی بهینه
	✓	روش‌های آموزش
	✓	اولویت بندی
روش‌ها و شیوه‌های آموزشی	✓	تغییر برنامه‌ها
	✓	تغییر روشها
	✓	تغییر محتوا
	✓	بازنگری و تجدید
	✓	ساختار شکنی
	✓	عدم انحصار
	✓	تحول
	✓	دانش تخصصی روز
نواوری	✓	رهیافتی نو و تازه
	✓	همپوشانی دروس مختلف
	✓	متناسب با کارکرد
	✓	هماهنگی و پیوستگی دروس
	✓	هماهنگی و همسویی
تناسب	✓	تناسب برنامه درسی با نیازهای جامعه
	✓	رویکردهای ترکیبی
	✓	استانداردهای جهانی
	✓	ملی گرایی
استانداردها	✓	بازنگری در برنامه درسی مطابق با استانداردهای جهانی
	✓	وجود دیدگاه‌ها متعدد
	✓	برنامه انعطاف پذیر
انعطاف پذیری	✓	انطباق دروس با آخرین دستاوردهای رشته‌های تحصیلی
	✓	مهارت لازم ورود به بازار
	✓	تقاضا محور بودن
کاربردی	✓	برنامه تفصیلی
	✓	اجرا نظارت و ارزشیابی نظارت
دریافت بازخورد	✓	کمیت‌های بازنگری و اصلاح
	✓	فرایند ارزشیابی
ارزشیابی	✓	ارزشیابی پیشرفت
	✓	شیوه‌های متنوع سنجش و ارزشیابی پیشرفت
	✓	ارزشیابی ترکیبی دانشجویان
	✓	ارزشیابی تشخیصی تکوینی و پایانی
ارزشیابی و کنترل	✓	عملی ساختن دانش
	✓	ارزیابی واقعی
	✓	ساختار
	✓	عملیاتی کردن
	✓	توجه به ساختار و مدیریت
	✓	اجرائی بودن
توزیع اطلاعات	✓	اطلاع‌رسانی اهداف
	✓	نقد
	✓	تحلیل، تجزیه و تحلیل

تفکر انتقادی	✓	رهیافتی نو و تازه
	✓	نگرشی واقع بینانه
	✓	خلاقیت و نوآوری در تدریس
	✓	توجه به همه افکار
	✓	آزاد اندیشی
	✓	تغیر نگرش
ریسک پذیری	✓	عدم کپی برداری
	✓	آزادی آکادمیک
	✓	عدم تمرکزگرایی
	✓	منحصر به فرد بودن مطالب
	✓	تحول آفرینی
	✓	تغییر نگرش و نگاه
تنوع گرایی	✓	توجه به سایر الگوها
	✓	توجه به نظریات کشورهای دیگر
	✓	نگرش بین المللی
	✓	توجه به گرایشات مختلف
اهداف بلند مدت	✓	اهداف درست
	✓	کیفی نگر
	✓	ماموریت درست
	✓	تغییر هدف
اهداف کوتاه مدت	✓	روشن بودن اهداف
	✓	تطابق اهداف
	✓	در دسترس بودن اهداف
	✓	طرحها
آینده نگری	✓	توجه به هدف های دوره
	✓	چشم اندازها متناسب
	✓	دستیابی به یک انسان ایده آل
	✓	بازنگری هدف غائی دانشگاه
مشارکت فعال	✓	رسالت ها و مأموریت های دانشگاه
	✓	مشارکت اعضای هیئت علمی و محققان
	✓	روش های مشارکتی
	✓	روش های تعاملی
	✓	مشارکت دانشجویان
	✓	یادگیری بر اساس تعامل
	✓	همیاری مشارکت
	✓	روش های مشارکتی روش های تعاملی
مهارت نرم	✓	مشارکت دانشجویان
	✓	سعه صدر
	✓	خلاقیت
	✓	استقلال طلبی
	✓	اعتماد به نفس
	✓	کار آفرینی
	✓	تفکر انتقادی
	✓	ریسک پذیری
	✓	همیاری مشارکت
	✓	تفکر جانبی

پژوهش و تحقیق	ایجاد انگیزه	✓ استقلال طلبی
		✓ اعتماد به نفس
		✓ عوامل انگیزه ساز
		✓ اختیار در انتخاب
		✓ اعتماد و اعتبار
		✓ ایجاد جایگاه
		✓ ارزش آفرینی
		✓ ایجاد هویت
		✓ ارتباط عاطفی
		✓ مشاوره و رفع مشکلات علمی
		✓ تحرک و اشتیاق
		✓ برخورد اجتماعی
پژوهش و تحقیق	سمینار و همایش	✓ مشاوره و رفع مشکلات علمی
		✓ سمینارها و همایش داخلی
		✓ سمینارها و همایش بین المللی
		✓ مسابقات علمی
		✓ بازدیدهای علمی و اردوهای علمی فرهنگی
		✓ گردش های علمی و فرهنگی
		✓ به کار گیری تجارب
		✓ دعوت صاحب نظران
		✓ تعامل علمی و فرهنگی سازنده
		✓ تبادلات علمی
		✓ تهیه مقاله های جدید
پژوهش و تحقیق	تعامل بین محقق و جامعه	✓ تعامل بین محقق و دانشگاه
		✓ پیوند بین پژوهش و عمل
		✓ برطرف کردن شکاف
		✓ ارتباط بین تحقیق و تدریس
		✓ نگاه نظام مند
		✓ جزیره ای نبودن
		✓ فاصله بین دانشگاه و جامعه
		✓ ارتباط درون رشته
حمایت و پشتیبانی	حمایت مالی	✓ بودجه
		✓ نو سازی سازمانی از لحاظ امکانات
		✓ کاهش فابل توجه هزینه ها
		✓ سرمایه گذاری
	حمایت اجتماعی	✓ منابع مالی
		✓ نیازهای اجتماعی
		✓ مهارت های اجتماعی
		✓ برخورد اجتماعی
		✓ مسائل اجتماعی
		✓ نگاه انسانی اجتماعی
		✓ جایگاه علوم انسانی

اسناد بالادستی	حمایت ساختاری	✓ نقشه جامع
		✓ تعیین مرزها
		✓ برنامه درسی بومی
		✓ ساختار دانشی مشخص
		✓ عدم بوراکراسی
		✓ مدل خاص هر رشته
		✓ توجه به تعادل عرضه و تقاضا
اسناد بالادستی	حمایت زمانی	✓ استراتژی تمرکز زدایی
		✓ توجه به همزمان بودن در ارائه خدمات
		✓ توجه به نبود محدودیت مکانی در ارائه خدمات
		✓ قابلیت دسترسی
		✓ محدودیت زمانی
		✓ توجه به زمان
		✓ بهره گیری از زمان
اسناد بالادستی	قوانین موجود	✓ عدم منافات با قوانین
		✓ هم راستا و مکمل
		✓ هماهنگی و هماهنگی
		✓ هماهنگی و همسویی
		✓ مسائل اجتماعی
		✓ مسائل فرهنگی
		✓ مسائل ساسی
		✓ مسائل مذهبی
		✓ سوگیری ها
		✓ حمایت از حریم خصوص
اسناد بالادستی	معیارهای مورد نظر برنامه درسی ملی	✓ حق مالکیت فکری
		✓ توجه به نیروهای انسانی
		✓ نیازهای فردی و اجتماعی ترکیب دروس
		✓ یادگیری سبکها
		✓ مطالعات عمیق
اسناد بالادستی	مضامین اخلاقی	✓ تمرکز بر یک حوزه
		✓ غرب زدگی
		✓ توجه به اصول اخلاقی
		✓ توجه به مبانی دینی
		✓ نگاه ایدئولوژیک
اسناد بالادستی	مضامین اخلاقی	✓ نظریه پردازی داخلی

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، شناسایی ابعاد تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی بود. برای این منظور از مصاحبه نیمه ساختارمند جهت گردآوری داده ها و برای تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل مضمون ۶

مرحله ای براون و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شده است. در این راستا در پژوهش حاضر نیز تلاش شد در جهت پاسخ به سوال پژوهش که چگونه می توان مختصات و ویژگی های ابعاد تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی را شناسایی کرد؟ به استناد نتایج کدگذاری، با تاکید بر برنامه درسی در نظام آموزش عالی و بر طبق نتایج حاصل از تحلیل داده ها ۴ مولفه و ۱۶ ویژگی که شامل مختصات و ویژگی هایی ۱- مولفه عوامل انسانی: شامل خلاقیت و نوآوری، ویژگی های مدرسان و ویژگی های فراگیران؛ ۲- مولفه عوامل آموزشی: شامل شیوه های آموزشی، طرح های آموزشی، پژوهش و تحقیق و ویژگی های محتوا؛ ۳- مولفه عوامل اجرایی: شامل ارزشیابی و کنترل، ماموریت، حمایت و پشتیبانی، انعطاف پذیری، همکاری و مشارکت و اسناد بالادستی و ۴- مولفه عوامل فنی: شامل تجهیزات و امکانات، نیازسنجی و تکنولوژی آموزشی می باشد شناسایی گردیدند. نتایج اولویت بندی مولفه ها نیز نشان داد که بیشترین میانگین مربوط به عوامل همکاری و مشارکت، ماموریت و تجهیزات و امکانات در آموزش عالی می باشد. و بقیه عوامل هم به ترتیب در رتبه های بعدی قرار دارند. در خصوص ویژگی ها و مولفه های فوق می توان بیان نمود که این ویژگی ها و مولفه های مذکور علاوه برآنکه هر یک به عنوان یک ویژگی و مولفه خاص نظام آموزش عالی تلقی می شوند، درارتباط با یکدیگر نیز می باشند. همانطور که پیشتر ذکر گردید ویژگی ها و مولفه های به دست آمده مانند یک زنجیره در تعامل و ارتباط متقابل با یکدیگر می باشند. بدین صورت که ویژگی مولفه های عوامل اجرایی و فنی به عنوان محوری ترین ویژگی و مولفه ها شناخته می شوند که همانند یک چتر بر سایر ویژگی ها و مولفه ها ی برنامه درسی به صورت عمیقی قرار می گیرد و سایه می افکند و آن ها را تحت تاثیر قرار می دهد. در یک چشم انداز گسترده، در آموزش عالی و بواسطه ی همین مولفه های مذکور ارائه برنامه های درسی و (البته با نگاه بومی گرا) از طریق ایجاد تحولات بنیادین و نوین در برنامه های درسی علوم انسانی در آموزش عالی و به صورت شبکه ای میسر می گردد. در حال حاضر و بر اثر عوامل اجرایی و فنی محوری، برنامه های درسی مطابق با توانایی، سرعت، علایق و نیازهای دانشجویان امکان پذیر می گردد. یافته پژوهش حاضر با یافته تحقیقی زرین و یادگارزاده (۱۴۰۱) "در تحقیقی که با عنوان شناسایی ویژگی ها و مولفه های برنامه درسی آموزش عالی در عصر انقلاب صنعتی" پرداختند. و نتایج پژوهش آنها نشان داد که بر اساس یافته های پژوهش، آموزش عالی، بازطراحی برنامه های درسی، فناوری محوری، مهارت پروری برنامه درسی جهانی با رویکرد بومی گرایی، یادگیری مادام العمر، رویکرد میان رشته ای، تربیت منابع انسانی شایسته، پیوند برنامه درسی و آموزش نوآورانه ویژگی ها و مولفه های برنامه درسی آموزش عالی نیازمند باز طراحی، بازنگری و ارزشیابی مداوم است. همسوی دارد. و با یافته های پژوهش برقی و ملکی (۱۳۹۳) که عناصر

دوازده گانه اهداف، محیط، ابزار و زیرساخت، یاددهنده، یادگیرنده، روش‌های یادگیری، فضا (محیط)، زمان، مبانی، ساختار، ارزشیابی و راهبرد را به عنوان زیر مولفه‌های یک الگوی مطلوب تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه درسی مساله محور در آموزش عالی را شناسایی کرده است همسو می‌باشد. و با یافته‌های تحقیق سورلین^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان « تحول علوم انسانی: از بحران و نقد به سوی علوم انسانی یکپارچه در حال ظهور» که تحول علوم انسانی شکل گرفته در دهه‌های گذشته با ارزش یافتن و پراهمیت گشتن ابزارهای مدیریت دانش در جهت کارکرد آسان آنها بوده که این مولفه‌ها و ویژگی تحول در علوم انسانی در مقایسه با نظام آموزش عالی ایران، را می‌توان تصویری پرواضح از ارتقای کیفیت علوم انسانی و عملکرد آن در کشورهای شمال اروپا در عصر حاضر عنوان داشت همسویی ندارد. وبا پژوهش مارگینسون^۲ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای تحت عنوان "مجله بین المللی و توسعه آموزش" به این نتیجه رسید که سیستم آموزش عالی شرق آسیا به سرعت در حال بهبود در مقدار و کیفیت همراه با رشد و تحرک اجتماعی مطلق است، مشارکت در آموزش عالی در اکثر کشورها به سرعت در حال افزایش و در حال تبدیل شدن به اجتماعی فراگیر است با این حال رشد در شمول اجتماعی که موجب اجتماع بیشتر می‌شود افزایش می‌یابد. در حالی که مولفه‌ها و ابعاد شناخته شده تحول در علوم انسانی با تاکید بر برنامه‌های درسی در آموزش عالی از تغییرات و تحولات چشمگیری در این خصوص نداشته است همسویی ندارد.

آموزش عالی به عنوان نظامی اجتماعی نیازمند مشارکت و همکاری همه اجزای نظام است. این نظام بدون مشارکت مؤثر مردم و کارکنان در ابعاد علمی، فرهنگی، اقتصادی و عاطفی نمی‌تواند فرایند تعلیم و تربیت را به خوبی عملی سازد. اگرچه مشارکت در امور آموزش عالی از روزگاران گذشته تاکنون به صورت‌های گوناگون انجام شده و در هیچ دوره‌ای تعطیل نگشته است، در مقابل تداوم و استمرار این امر، آنچه امروز بیش از هر زمان دیگر ضرورت دارد بررسی ویژگی‌های مشارکت و آسیب‌شناسی آن است. به این سبب است که بسیاری از پژوهندگان و متخصصان موضوع مشارکت معتقدند که این اصطلاح، مفهوم تازه‌ای نیست، اما باید آن را با دیدی نو نگریست. در مشارکت تمام افراد شایستگی‌های نوینی در خودشان می‌پرورند. این شایستگی‌های محوری عبارت‌اند از: خودمدیریتی، تفکر انتقادی، مهارت‌های انسجام‌آفرین ارتباطی، قابلیت یادگیری دو جانبه و تصمیم‌گیری انعطاف‌پذیر که از شروط لازم برای مشارکت موفقیت‌آمیز محسوب می‌شود و همه انسان‌ها به آن نیاز دارند.

۱. Sörlin

۲. Marginson

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود. جدید بودن موضوع پژوهشی و کمبود پیشینه پژوهشی علیرغم بررسی‌های مختلف. این پژوهش بر روی مقاطع تحصیلی عالی انجام گرفت بنابراین قابلیت تعمیم دهی به همه مقاطع تحصیلی را ندارد. پراکندگی جغرافیایی متخصصین و خبرگان نمونه ارتباط و جمع‌آوری مصاحبه‌ها را با کندی و سختی زیادی روبرو می‌کرد. و همچنین در راستای پژوهش حاضر پیشنهاد‌های کاربردی زیر لازم و ضروری به نظر می‌رسد که در پژوهش‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد. نظام تعلیم و تربیت یک کار ویژه به حساب می‌آید و نگاه به آموزش عالی برای دستیابی به سطح بالای اثر بخشی و کارآمدی و باروری نیروی انسانی می‌بایست با آگاهی از میزان خلاقیت و تقویت آن بدنبال تعالی مراکز آموزشی از حالت سنتی به مراکزی با عملکرد عالی صورت گیرد به گونه‌ای که در آن بهبود مستمر یادگیری توسط همگان اجرا شده و به عنوان یک فرهنگ در بین دانشجویان در آید و آنچه که در تفکر یک سازمان بایستی گنجانده شود آینده‌سازی و فراهم‌آوری شرایط آن است با این اندیشه که به بهبود و تغییر به عنوان یک برنامه درازمدت و مستمر بهره‌وری پرداخته شود.

References

- Altbach, P (2014). **Comparative Studies in Higher Education in:** Postlethwaite; in (ed). *The Encyclopedia of comparative Education and National System of Education*, pp 6- 7.
- Azarbaijani, M., Kazemini, S.M.H. (2014). An introduction to the theory of change management in human sciences (with emphasis on the central role of sociological factors), *Methodology Quarterly of Human Sciences*, No. 82, Spring, pp. 57-98. [Persian].
- Azzopardi, E., & Nash, R. (2013). A critical evaluation of importance-performance analysis. *Tourism Management*, 35, 222-233.
- Barghi I., Maleki H., Abbaspour A., Zare'i E., Seraji F. (2014). Designing and Validation of Favorable Problem-Based Curriculum Pattern in E-Learning Universities A Combinational Study. *Educ Strategy Med Sci*, 7 (1), 63-68.(Persian).
- Barnett, R.; Coate, K. (2019). *Engaging the curriculum in higher education*. Maidenhead: SRHE/OpenUniversity Press.
- Bovill, C. (2020). Co-creation in Learning and Teaching: The Case for a Whole-Class Approach in Higher Education. *Higher Education* 79, 1023–1037.
- Bridges, D. (2018). *The Higher Education curriculum 21 set century*, Cambridge.
- Elhamian, N., Hajihosinnezhad, Gh., Mosapor, N., Kian, M. (2020). Designing the implementation model of the teacher training curriculum based on the educational

- documents of the Islamic Republic of Iran. *Research in educational systems*, 13(46), 145-161. [Persian].
- Fazli, N. (2016). Anthropological survey in the field of science production and humanities challenges in Iran, number 30. [Persian].
- Heydari Sh. (2020). Identifying, compiling and validating indicators and rating dimensions of universities and higher education institutions. *Educational planning studies*, 8(15), 229-251. [Persian].
- Kuh, G. D(2010). Student Success in College: Creating Conditions That Matter. San Francisco, CA:Jossey-Bass. [Persian].
- Marginson, S. (2017). **Higher Education, Economic Inequality And Social Mobility: Implications for Emerging East Asia**, int. j. edue. Dev (2017).
- Moore-Cherry, N. (2019). "Pedagogical Partnerships, Identity Building and Self-Authorship in Geography Higher Education." In Handbook for Teaching and Learning in Geography, edited by H. Walkington, J. Hill, and S. Dyer, 314–328.
- Norman et al. (2016) in a research titled "A model for planning and implementing educational change in higher education in Botswana"
- Piri, R., Adib, Y. (2010). The optimal model of the curriculum for the pre-primary period. *Journal of Educational Sciences*, 5, 53-82. [Persian].
- Shahabadi, M.M., and Pourezzat, A.A. (201[^]). Applying an interdisciplinary approach to the problem of transformation of humanities: re-reading the history of the translation movement in Islamic civilization in the context of public policy. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in Humanities*, Volume 8, Number 3, pp. 1-37. [Persian].
- Sörlin, S. (2018). **Humanities of transformation: From crisis and critique towards the emerging integrative humanities**. *Research Evaluation*, 27(4), 287-297.
- Wright, C., Ritter, L. J., & Wisse Gonzales, C. (2022). *Cultivating a collaborative culture for ensuring Sustainable Development Goals in higher education: An integrative case study*. *Sustainability*, 14(3), 12-37.
- Zarrin A., Yadegarzadeh Gh., Khosravi M., Ghaderi M., Khorsandi Taskoh a. (2022). The Features and Components of the Higher Education Curriculum in the Era of the Fourth Industrial Revolution. *Journal of Higher Education Curriculum*. ;13(25):271-293. [Persian].

Identifying the dimensions of transformation in humanities with emphasis on the curriculum in the higher education system

Farhad Abdollahi^۱, Shahram Ranjdoust^{*۲}, Behboud Yarigholi^۳

Abstract

Introduction: Development in human sciences with emphasis on the curriculum can play an important role in the trend towards this field of study. The purpose of this research was to identifying the dimensions of transformation in humanities with an emphasis on the curriculum in the higher education system.

Methodology: The research method was conventional qualitative content analysis. The research informants sample of the current research is 15 experts in the field of educational sciences in the fields of curriculum planning, management and educational planning, and philosophy of education who were members of the academic staff in the higher education system. and as a result, the findings of the interview reached saturation. The data collection tool at this stage was a semi-structured interview and Its coordinates have been obtained by analyzing the data in the 6 stages of Clark and Brown.

Results: After conducting the interviews and examining their themes, 16 overarching themes and 44 organizing themes were identified. - flexibility (adaptation to conditions and situations, continuous or continuous thinking), 4- equipment and facilities (physical equipment and knowledge equipment), 5- characteristics of learners (individual characteristics and personality development), 6- characteristics of teachers (management) verbal, core competency); 7- Content characteristics (comprehensiveness, quality and variety), 8- Educational methods and practices (effectiveness, innovation and appropriateness), 9- Educational plans (standards, flexibility and application), 10- Evaluation and control (receive feedback, evaluation, implementation and distribution of information), 11- creativity and innovation (critical thinking, risk-taking and diversification), 12- mission (long-term goals, short-term goals, foresight), 13- active participation, skills soft and motivating), 14- research and research (seminar and conference, interaction between researcher and society), 15- support and support (financial, social, structural, time support) and finally the last theme, i.e. 16- upstream documents (existing laws) , the desired criteria were the national curriculum and moral themes).

Conclusion: The identified components can be used as a framework for creating a common curriculum in the field of creativity and collaboration in higher education, as well as common value creation in educational environments in line with the wave of fundamental changes in humanities curricula in higher education.

Keywords: Identifying, Transformation, Humanities, Curriculum, Higher Education.

¹. PhD Student of Curriculum Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran.
Sina20sina27@yahoo.com

². Associate Professor, Department of Curriculum Planning, Marand Branch, Islamic Azad University, Marand, Iran. * Corresponding author. dr.Ranjdoust@gmail.com

³. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Azarbijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran.
Beboud.yarigholi@yahoo.com